

## نظریه افتراق زنان و تحلیل آن در رمان هرس نوشته نسیم مرعشی

تهمینه شجاعت زاده<sup>۱</sup>

دکتر نرگس اسکویی<sup>\*۲</sup>

دکتر آرش مشفق<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

### چکیده

فمینیست‌ها تعاریف موجود از «زن» را در سامان‌های اجتماعی بشری، نه بازشناخت واقعی از او، بلکه شناسایی هژمونی فرهنگ مردانه از زن می‌دانند و در مقام راه‌کار، زنان را دعوت به «افتراق و استقلال» می‌نمایند. نظریه افتراق در دیدگاه‌های مختلف فمینیستی، تعاریف مختلفی از جوامع مادرسالار و آرمان‌شهرهای تک‌جنسیتی تا خلوت‌گاه‌های شهودی می‌یابد؛ اما دستاورد منظور و موعود همه نظریه‌های پیرامون افتراق، کمک به پاک کردن انگاره‌ها و باورداشتهای معهود از زن است، برای آنکه به هستی‌شناختی حقیقی از اصالت و عاملیت خود دست یابد. در این مقاله، به روش تحلیل محتوای قیاسی، دلایل و نیز نتایج حاصل از استقلال زنانه موجود در رمان هرس را براساس نگرش‌های فمینیستی ارائه شده در باب نظریه افتراق بازجست‌ه‌ایم. آنچه از این جستجو به دست آمد اینکه: اگرچه استقلال زنان در رمان هرس شباهت به نوعی تنبیه یا تبعید خودخواسته دارد، اما حداقل در مورد شخصیت اصلی داستان، نوال، منجر به رسیدن به خودباوری، استقلال، آرامش، عاملیت و هماهنگی و اتحاد با عناصر هستی گشته‌است که ناشی از نوعی سفر شهودی در خود است، یعنی همان چیزی که نظریه افتراق به آن توجه دارد.

**واژگان کلیدی:** ادبیات فمینیستی، نظریه افتراق، رمان هرس، خودشکوفایی، عاملیت.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بناب

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بناب

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بناب

\*oskooi.n.1350@gmail.com